برنامه سمت خدا
موضوع برنامه: هنر خوب زیستن
كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی
تاريخ پخش: 08-06-96
بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین
شریعتی: به نام او که در طلوع نگاهش قامتم قد می‌کشد به دو رکعت صلاة عشق. سلام می‌کنم به همه شما دوستان عزیزم، خانم‌ها و آقایان، بیننده‌ها و شنونده‌های بسیار گرانقدرمان. افتخار این را داریم که در روزهای چهارشنبه خدمت آقای دکتر لقمانی باشیم، با احترام خدمت شما سلام عرض می‌کنم.
حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم. انشاءالله در هرجا که هستند شاد و شاد باشند.
شریعتی: هفته گذشته بحث خوبی را شروع کردیم و خیلی مورد استقبال دوستان ما قرار گرفت. هنر خوب زیستن، چیزی که گمشده این روزهای ماست. راه و رسم زندگی کردن و هنر رضایت از زندگی را برای ما می‌گویند و ما امرو مشتاق هستیم که بحث امروز شما را بشنویم.
حاج آقای لقمانی:
زندگی زیباست ای زیبا پسند \*\*\* زنده اندیشان به زیبایی رسند
آنقدر زیباست این بی بازگشت \*\*\* کز برایش می‌توان از جان گذشت
زندگی هدیه‌ی خداوند به انسان است و هنر خوب زیستن، هدیه انسان به خداوند است. گفتیم: هنر آمیزه‌ای از دانایی و زیبایی است. هارمونی دارد، زیبا و دلنشین است. خوب زیستن با خوش زیستن متفاوت است. در هر خوبی خوشی هست ولی معلوم نیست در هر خوشی، خوبی باشد. اینکه یک دیدگاهی از زندگی مثل بستنی است، پیش از آنکه آب شود از آن لذت ببرید. بعضی فکر می‌کنند صبح تا شب باید بخندند و بپوشند و بخورند و شاد باشند. از هر وسیله‌ای استفاده کنیم، به هر صورتی. یا بعد از یک مدتی یک افسردگی خاصی پیدا می‌کنیم. چون اسباب شادی برایشان تکراری است. یکنواخت است، در بعضی کشورها سگ و سکس و شراب و موسیقی است. اگر جواب نداد مواد مخدر، اگر جواب نداد خودکشی است! چون می‌خواهد خوش باشد. اما خوب بودن خیلی متفاوت است. در خوب بودن انسانیت خودمان را حفظ می‌کنیم. عبودیت و بندگی‌مان را حفظ می‌کنیم. وقتی منهای بی نهایت وصل به بی نهایت شد، هرچه جلو می‌روی نشاطش بیشتر است. شما افرادی که دوره جوانی و میانسالی خوبی داشتند، ببینید در دوره کهنسالی چقدر نشاط دارند و نورانی هستند. حتی از نظر ظاهری، بعضی از اعمال را داریم لازم نیست طرف بگوید. یکی صداقت و یکی نماز شب است که در چهره مشخص می‌شود. این خوب زیستن است.
یک جمله خیلی زیبایی در آغاز سخنم هدیه کنم مخصوصاً به نوجوانان و جوانان عزیز! عروس و دامادهایی که می‌خواهند عید غدیر زندگی‌شان را آغاز کنند. حکایت زندگی مثل بستن دکمه‌های پیراهن است. اگر اولی را اشتباه بستی، تا آخر می‌روی و بدبختانه تا به آخر نرسی نمی‌فهمی اشتباه کردی! جلسه گذشته گفتم که در سن 60 سالگی وقتی نگاه به گذشته می‌کنی می‌بینی سرزمین سوخته است. ولی گاهی می‌فهمی و متوجه می‌شوی. هنر خوب زیستن را اگر انسان پیدا کند، فوق العاده است.
بنده و شما و همه بینندگان سه حالت داریم. الآن هستیم ولی در گذشته زندگی می‌کنیم افسردگی می‌گیریم. فقط حسرت می‌خوریم. الآن در آینده زندگی می‌کنیم، اضطراب داریم. الآن در الآن نشاط داریم. فقط مؤمنان نشاط واقعی دارند. دل شاد است چون اتصال و توکل دارد. امروز بحث ما محصول خوب زیستن است. محصول خوب زیستن آرزوهای خوب است. آرزوهایی که چهارچوب دارد. انسان لطمه به انسانیت نمی‌زند. لطمه به ابدیت نمی‌زند. زیاده خواهی نیست. در مسیر بندگی انسان یک سلسله آرزوهایی داشته باشد. سخنم را با یک داستان از حضرت امام شروع کنم.
قبل از سال 42 یک جمعی از علمای تراز اول قم بودند. حضرت امام هم در این جمع بودند. یک صاحب سلیقه‌ای، یک رند خوش سخنی گفت: حضرات علما که دور هم هستند، اگر یک آرزوی برآورده شده داشته باشند، از خدا چه می‌خواهند؟ هرچه از دهان ما خارج شد، این تراز شخصیتی ماست. گاهی کوتاه می‌خواهیم، نارس و کال می‌خواهیم. گاهی رسیده و بلند و ابدی می‌خواهیم. خیلی تفاوت هست. هرکدام از علما سخنی فرمودند. یکی از بزرگان فرمود: من علم می‌خواهم. هرکسی سؤال کرد جواب بدهم. دیگری گفت: تقوا می‌خواهم. نوبت به حضرت امام رسید. فرمود: اگر من یک دعای مستجاب داشته باشم، از خدا عاقبت بخیری می‌خواهم! اگر صبح به صبح یک ثانیه در مورد عاقبت بخیری تأمل کنیم، نود درصد افعال و افکار ما عوض می‌شود. «يَحْسَبُ أَنَّ مالَهُ أَخْلَدَه‏» (همزه/3) مال ما را جاودان می‌کند. شهرت جاودان می‌کند. گفتند: علامه طباطبایی (ره) درس که تمام می‌شد، کتاب را می‌بستند، یک جمله به شاگردانش می‌گفتند. آقایان! ما برای ابدیت آفریده شدیم. تمام معارف دین در این جمله خلاصه می‌شود. چقدر انسان جلا پیدا می‌کند و زلال و شفاف می‌شود. چرا مرتب تولید گناه کنم؟ تولید ویروس کنم؟ چرا این جلسه بروم؟ چرا؟ چرا؟ راحت می‌شود. هیچ چیزی مثل این معارف به انسان نشاط نمی‌دهد. قتلی که اخیراً اتفاق افتاد که دختر هفت ساله را کشتند. کسی که قاتل بود بیکار نبود که بگوییم: بخاطر اشتغال است. بخاطر بی پولی است. مجرد نبود که بگوییم: بخاطر مجرد بودن است. زن و بچه داشت. فرزند طلاق نبود. چرا پس مرتکب جرم شد؟ ابدیت، خوف، خداترسی! این باید در جامعه ما صد چندان شود که هرسال چند میلیون پرونده دستگاه قضایی نرود. آرزوهای زندگی! وقتی ما هنر خوب زیستن را یاد بگیریم، خوب فکر می‌کنیم. فکر خوب هم می‌کنیم. خوب حرف می‌زنیم و حرف خوب می‌زنیم. عزیزم! بفرمایید، فدای تو شوم! تا اینکه سلام کنیم و جواب ندهد!
بهترین آرزوها چیست؟ یکی از گل پسرهای عالی زمان پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) یک روز محضر رسول خدا شرفیاب شد. «یا رسول الله، علمنی عملاً» سؤال نشان دهنده شخصیت سؤال کننده است. یا رسول الله عملی به من یاد بده که 1- خدا مرا دوست داشته باشد. گاهی فرماندار و رئیس شورای محله آدم را می‌شناسد چه پزی می‌دهد. فلانی برای من بوق زد. کل هستی در دست کسی است که او مرا دوست دارد. مردم هم مرا دوست داشته باشند. ممکن است بعضی بگویند: مورد اول را جا داشت به پیامبر بگوید. ولی مورد دوم، دوستی مردم به چه دردی می‌خورد؟ پیامبر راهکار دادند. معنایش این است که جایگاه اجتماعی می‌خواهم. مردم هم ما را دوست داشته باشند. اگر جناب آقای شریعتی مجموع دارایی‌شان پنجاه میلیون است ولی اعتبارشان پنج میلیارد تومان است، رزقشان آن اعتبار است. امضاء، ایشان تلفن بزند ما انجام می‌دهیم. این رزق است! محبوب قلوب بودن خیلی مهم است.
3- خدا مرا دوست داشته باشد و مردم هم دوست داشته باشند، وضع مالی‌ام هم خوب باشد. وضع مالی بد باشد فایده ندارد. دستم پر باشد. پیامبر راهکار دادند. مال بسیار خوب است مخصوصاً برای افراد مذهبی! «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيد» (عادیات/8) انسان در نهادش نسبت به مال علاقه دارد. مال خیلی خوب است، فریادرسی می‌کند.4- خدا دوست داشته باشد، مردم هم مرا دوست داشته باشند. وضع مالی‌ام خوب باشد. 5- عمرم هم طولانی باشد. عمرم طولانی نباشد فایده ندارد. عمرم طولانی شد و بدنم علیل و ذلیل باشد به درد نمی‌خورد. بدنم هم سالم باشد. 6- بعد از مرگ فقط با شما محشور شوم. منشور زندگی انسان به صورت کامل نورانی این شش سیره است.
من دانشگاه علوم پزشکی اصفهان چند سال قبل یک ماه مبارک رمضان در مورد این حدیث صحبت کردم. هیأت علمی، اساتید، دانشجوها، گفتم: هرکدام توانستید بگویید: هفتمی از قلم افتاده من یک سکه بهار آزادی به شما هدیه می‌دهم. الحمدلله پیدا نشد. پیامبر شروع کرد پاسخ داد. فرمود: اگر می‌خواهی خدا تو را دوست داشته باشد به همه نگو: چاکرم، مخلصم، مشتاق دیدار! دو کار بکن، خوف از خداوند داشته باش و تقوا داشته باش. مگر نعوذ بالله خدا ترس دارد که از خدا بترسیم؟ نه! «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ‏ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوى‏ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوى‏» (نازعات/40 و 41) بنده هفت صبح در خانه‌ای که با آن کار دارم هی بوق می‌زنم. یک نفر با لباس معمولی، می‌گوید: بوق نزن! می‌گویم من ماشین را با بوق خریدم. می‌خواهم بوق بزنم! این آقا دو دقیقه بعد با لباس فرم پلیس می‌آید. «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ پلیس» مقام خدا چیست؟ 1- شاهد است. می‌بیند. 2- حاکم است. حکم می‌کند. 3- مجازات می‌کند. در امور قضایی هرکدام از اینها جدا هستند. کسی که شاهد است می‌آید شهادت می‌دهد. یکی قاضی است. یکی مجری است. خداوند «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ رَبّه» است. خدا همه جا با ما هست. من تنهایی پشت کامپیوترم نشستم و در شبکه‌های مختلف هستم. همین که در ماه رمضان عطش بیداد می‌کند، در یخچال را باز می‌کنی و آب گوارا را می‌بینیم و در یخچال را می‌بندیم. این «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ رَبّه» برای جامعه ما خیلی مفید است. کسی که اینچنین باشد، آسوده خاطر است. خداوند هم دوستش دارد چون به حرف گوش می‌دهد.
یک تصمیم خیلی مهمی زمان حضرت امام بنا شد گرفته شود. حضرت امام سران سه قوه و بعضی از بزرگان من جمله آیت الله مهدوی کنی(ره) را دعوت کردند. این قضیه به اندازه دو سه جلد کتاب اخلاقی برای ما مفید است. تصمیم خیلی مهم بود و یک عده می‌ترسیدند مشکل ایجاد شود. صدا از حسینیه جماران در اتاق امام می‌آمد. ما منتظر خمینی هستیم! خدایا تا انقلاب مهدی... حضرت امام به آقایان رو کردند. فرمودند: صدا را می‌شنوید؟ گفتند: بله! بزرگان ما قسم نمی‌خورند. قسم هم بخورند قسم جلاله نیست. ولی امام قسم جلاله خوردند. والله، بالله، تالله، قسم جلاله است. امام فرمودند: والله قسم اگر این جمعیت حسینیه فردا بیایند بگویند: مرگ بر خمینی! برای من هیچ فرقی نمی‌کند. من نمی‌خواهم قهرمان ملی شوم! می‌خواهم خدا از دستم راضی باشد. ما بسیاری از مذهبی‌ها را سراغ داریم شب عروسی دختر و پسر خدا کنار می‌رود. یک شب است، هوس دارم! برادرم چه کار کرد؟ من هم می‌خواهم بیشتر بکنم. همه پاک می‌شود. «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ رَبّه» اینها گردنه‌های امتحان است. عمامه داشتن و حجت الاسلام بودن و آقای دکتر و مهندس و آیت الله، ایشان سابقه جبهه داشته و مذهبی است. در گردنه‌ها مشخص می‌شود. اینجا لبه پرتگاه است. پرت می‌شود یا به سلامت رد می‌شود. مثل پل صراط است! «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ‏ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوى»
من یک پرانتز باز کنم. خیلی از آدم‌ها هستند در حرف زدن مراقب نیستند. «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ‏ رَبِّهِ» را ندارند. در حرف زدن نمی‌ترسند! گاهی در درگیری‌ها بدترین کلمات را به کار می‌برند. حضرت علی می‌فرمایند: در درگیری‌های خیابانی پست ترین افراد کسانی هستند که برنده می‌شوند. حضرت این جمله را در مسجد کوفه گفتند. یک روایت دیدم چند روز آشفته بودم. پیامبر فرمودند: بعضی‌ها هستند به اندازه یک کوه بلند ثواب دارند. دعای ابوحمزه سی شب، نماز شب، انفاق، اطعام، کار خیر الی ماشاءالله! یک جمله از دهانش خارج شود تمام این کوه پودر می‌شود. آقای مذهبی خیلی علیه السلام وارد منزل می‌شود. خانمش نیست، زنگ می‌زند می‌بیند گوشی‌اش را نبرده است. نیم ساعت، دو ساعت، تا خانمش وارد می‌شود. نمی‌پرسد کجا بودی؟ اولین جمله‌اش این است: با کی روی هم ریخته بودید؟ کجا رفته بودی؟ پیامبر فرمودند: تمام حسناتش آب می‌شود. کوه تَهام! تُهمت! بعضی‌ها خیلی راحت دیّوث می‌گویند. دیوّث یعنی کسی که به دختر یا همسرش را به زنا می‌دهد. چه حرفی است! از آن طرف خانمی شصت سال با شوهرش زندگی می‌کند. یک لحظه می‌گوید: ما خیری از تو ندیدیم! تمام حسنات از بین می‌رود.
بنده نمی‌توانم به خودم لعنتی بگویم. امام صادق فرمودند: ملعونٌ ملعونٌ ملعونٌ! سه بار فرمودند: خدا لعنتش کند. دور از رحمت خدا باشد کسی که تهمت بزند. این دختر با این پسر... من از جایی رد می‌شدم دیدم آقایی با خانمی دست داد. بیا! ببین جامعه چقدر خراب است! بابا شاید فامیل هستند. دایی‌ است، عمو است. «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ‏ رَبِّهِ» دیدید می‌گویند: من یقین دارم فلانی دزد است. یک منبع موثق گفته است. «وَ أَمَّا مَنْ خافَ‏ مَقامَ‏ رَبِّهِ» نمی‌دانم! اینطور گفتند. من خبر ندارم! به راحتی خیلی قضاوت می‌کنیم. گاهی روز عید فطر به ظهر نرسیده همه را آتش می‌زنند. لذا در روایت داریم «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ» (انعام/160)
بار ما شیشه‌ی تقوا و سفر دور و دراز \*\*\* کی سلامت بتوان برد به منزل بردن
باید ببری. این خوف می‌خواهد. 2- پیامبر فرمودند: تقوا داشته باش. تقوا چیست؟ جایی که می‌دانی گناه می‌شود و ورود نمی‌کنی و وارد نمی‌شوی، تقوا است. جایی که احتمال می‌دهی این ضرر است. در خیابان می‌روم، در منزلی باز است. سرم را پایین بیاندازم. ممکن است یک صحنه‌ای ببینم، چرا یک نظر بکنم، این ضرر است. لذا در ماه رمضان امیرالمؤمنین پای منبر پیامبر، یک جمعه قبل از ماه مبارک فرمود: یا رسول الله! بهترین کار در ماه مبارک رمضان چیست؟ پیامبر فرمود: علی جان! «الوَرَعُ‏ عن‏ مَحارم اللَّه» ورع! فکر گناه نکنیم. احتیاط! احتیاط را چرا احتیاط می‌گویند؟ انسان دیوار دور چشمش می‌کشد. دور گوشش بکشد. بیایید امشب دور هم خوش باشیم! ببخشید من نمی‌آیم. احتیاط! مرحله بالاتر عصمت است. در درون انسان بیمه نسبت به گناه شود. نه فکر گناه، نه فعل گناه! یک جمله فوق العاده زیبایی حضرت عیسی دارند. فرمودند: برادرم موسی گفت: گناه نکنید، زنا نکنید. من می‌گویم: فکر گناه نکنید. فکر مثل اینکه بنده و شما سیگاری نیستیم اما در یک جلسه یک سیگاری کنار ما هست. تا منزل رفتی، اولین سؤالی که می‌کنند این است که سیگار کشیدی؟ بوی سیگار می‌دهی! این فکر گناه است. عصمت! انسان می‌تواند به مرز عصمت برسد؟ بله. بنده نوجوانان و جوانانی را سراغ دارم در محیط دانشگاه، متأسفانه بعضی از معروف‌ها منکر و بعضی از منکرها معروف است. هفته‌ها می‌گذرد یک گناه نمی‌کنند. کاروان دانشجویی پسران داریم می‌گویند: حاج آقا سفره گناه راحت برای ما باز است. پیشنهادهای متعدد و مختلف هست. ولی خدا هنوز مرا حفظ کرده است. عصمت! انسان می‌تواند فکر گناه و فعل گناه نکند؟ بله. ورودی‌ها ذهن و دیده بسته است. اگر می‌خواهی خدا دوستت داشته باشد، خوف از خدا و تقوا داشته باش. این تقوا باعث خویشتن داری و خویشتن یابی می‌شود. افرادی که تقوا دارند محبوب خدا هستند. حتی در دنیا هم آرامش دارند.
بچه طلبه‌ که بودیم و پای منبر بودیم، بزرگان ما می‌فرمودند: «الْعَاقِبَهُ لاهل‏ التقوى‏ و الیقین» من تا چند سال قبل فکر می‌کردم عاقبت در همین دنیاست. کسانی که در همین دنیا سعی کنند روی خط بندگی باشند، در همین دنیا وضعشان خوب می‌شود. اعتبار پیدا می‌کنند. عاقبت خوبی پیدا می‌کنند. کسانی که خدای نکرده پرده دری کنند، همین‌جاست. روایت داریم افرادی که اهل تکلف هستند، همه را خوشحال می‌کند غیر از خداوند! آخرش یک آبروریزی می‌کند و بی آبرو از دنیا می‌رود. تقوا داشته باش. وقتی انسان تقوا داشته باشد، به مرز عصمت می‌رسد. چه کنیم به مرز عصمت برسیم؟ امیرالمؤمنین در چهار کلمه فرمودند: «مِنَ الْعِصْمَةِ تَعَذُّرُ الْمَعَاصِي» زیباتر از این نیست. می‌خواهید عصمت پیدا کنید؟ «حسناً» در درون بی میلی نسبت به گناه پیدا کنید. نه فکر، نه فعل گناه، ورودی‌های گناه را ببندید. دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها! بعضی نوشتند: نیاز به فروشنده خانم با روابط عمومی بالا داریم ترجیحاً مجرد باشد!! یعنی چه؟ روابط عمومی بالا مشخص است. طنازی، عشوه گری، ادکلن آنچنانی!! ترجیحاً مجرد باشد یعنی تا دوازده شب! این ورودی گناه است. دوستی داریم دندانپزشک است. گفت: منشی من دختر خواهرم است. روایت داریم کسی که از راه بی عفتی و پرده دری بخواهد وضعش خوب شود، خداوند می‌فرماید: او را فقیر می‌کنم. چون پایش را از مرز فراتر گذاشت. در مرز من باش من زندگی‌ات را فراخ می‌کنم.
روایت هست برای عزیزانی که در آغاز زندگی هستند و عجله دارند برای اینکه وضع مالی‌شان زود خوب شود. داریم کسانی که می‌خواهند یک ساله ثروتمند شوند، شش ماه پشت میله زندان یا پای چوبه دار هستند. از یک محیط کوچک به تهران می‌آیند. به هر دری می‌زند که به جایی برسد. جمله‌ای هست خداوند به دنیا می‌فرماید: «یا دنیا اخدمی من خدمنی و اتعبی من خدمک» عزیزانی که در کار اقتصادی هستند این جمله را بنویسند و صبح به صبح نگاه کنند، آرام می‌شوند. خداوند به دنیا می‌فرماید: «اخدمی من خدمنی» در خدمت کسی باش که در خدمت من است! ورشکسته نمی‌شود، دلشکسته و سر شکسته هم نمی‌شود. همیشه سر بلند است و کم نمی‌آورد. «و اتعبی من خدمک» به زحمت بیانداز کسانی که صبح تا شب کاری به من ندارد. حرف پول و دلار و یورو است. کسانی را دیدیم که بعد از سی سال، در یک حادثه تمام از زندگی خارج می‌شود. به سی سال قبل برمی‌گردد. حاج آقای قرائتی چندین بار این مطلب را فرمودند. پدر ما 35 سال در بازار کاشان کاسب بود. پدر ما می‌گفت: من یک بازاری را ندیدم که خمس بدهد و ورشکسته شود! نماز اول وقت می‌خواند و مغازه را می‌بندد. خدا می‌رساند! من معتقد هستم که حاج آقای قرائتی بیش از دو سه مرجع تقلید خدمت کردند. ایشان فرمودند: پدرم 35 سال در بازار کاشان صدای اذان را که می‌شنید برای نماز می‌رفت. خداوند توفیق داد 35 هزار نمازخانه به دست من ایجاد شد! هرکسی می‌بیند می‌گوید: خدا پدر قرائتی را بیامرزد! این می‌ماند. «اخدمی من خدمنی و اتعبی من خدمک» یک هفته امتحان کنید. غش در معامله نکنیم. می‌بیند اصلاً نیاز نبود این مقدار هم خودش را به آب و آتش بزند. خداوند می‌رساند.
شریعتی: سؤال آن جوان بهانه شد برای اینکه ما این همه نکات لطیف بشنویم. تمام این نسخه‌ای که پیامبر دادند برای جایی است که آدم بخواهد محبوب خدای متعال باشد. حالا محبوب مردم شدن هم قطعاً نسخه دارد. یک سلام ویژه به همه کسانی که این روزها در مکه هستند. حتماً نایب الزیاره و دعاگوی ما باشند. دوستانی که در روز عرفه به عتبات مشرف شدند و آنجا هستند انشاءالله سلام ما را به حضرت برسانند و دعاگوی ما باشند. امروز صفحه 62 قرآن کریم آیات 92 تا 100 سوره مبارکه آل عمران در سمت خدا تلاوت خواهد شد.
«لَنْ‏ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْ‏ءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ‏ «92» كُلُّ الطَّعامِ كانَ حِلًّا لِبَنِي إِسْرائِيلَ إِلَّا ما حَرَّمَ إِسْرائِيلُ عَلى‏ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْراةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْراةِ فَاتْلُوها إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ‏ «93» فَمَنِ افْتَرى‏ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ‏«94» قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْراهِيمَ حَنِيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ‏ «95» إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ‏«96» فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ إِبْراهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعالَمِينَ‏ «97» قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآياتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلى‏ ما تَعْمَلُونَ‏ «98» قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَها عِوَجاً وَ أَنْتُمْ شُهَداءُ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ‏ «99» يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقاً مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمانِكُمْ كافِرِينَ‏ «100»
ترجمه: هرگز به نيكى دست نمى‏يابيد، مگر آنكه از آنچه دوست داريد، (در راه خدا) انفاق كنيد و بدانيد هر چه را انفاق كنيد، قطعاً خداوند به آن آگاه است. همه‏ى غذاها و خواركى‏ها براى بنى‏اسرائيل حلال بود، مگر آنچه را اسرائيل (يعقوب) پيش از نزول تورات بر خود حرام كرده بود، بگو: اگر راست مى‏گوييد (كه اينها از قبل در تورات حرام بوده است،) تورات را بياوريد و آن را تلاوت كنيد (تا ببينيد بسيارى از چيزها را بدون نزول وحى از پيش خود، بر خودتان حرام كرده‏ايد). پس بعد از اين، هر كسى بر خدا به دروغ افترا ببندد، آنان ستمگران هستند. (اى پيامبر!) بگو: خداوند راستگو است، پس از آيين ابراهيم حقگرا پيروى كنيد كه او از مشركان نبود. همانا اوّلين خانه‏اى كه براى (عبادت) مردم مقرّر شد، همان است كه در سرزمين مكّه است كه مايه‏ى بركت و هدايت جهانيان است. در آن (خانه) نشانه‏هاى روشن، (از جمله) مقام ابراهيم است و هر كس به آن درآيد، درامان است وبراى خدا بر عهده‏ى مردم است كه قصد حج آن خانه را نمايند، (البتّه) هركه توانايى اين راه را دارد. وهركس كفر ورزد (وبا داشتن توانايى به حج نرود، بداند كه) همانا خداوند از همه‏ى جهانيان بى‏نياز است. بگو: اى اهل كتاب، چرا به آيات خداوند كفر مى‏ورزيد، با آنكه خداوند بر اعمال شما گواه است. بگو: اى اهل‏كتاب! چرا كسانى را كه ايمان آورده‏اند از راه خدا باز مى‏داريد و مى‏خواهيد كه آن (طريقه‏ى الهى) كج باشد، در حالى كه خود شما گواهيد (كه راه آنان درست است) و خداوند از آنچه انجام مى‏دهيد غافل نيست. اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! اگر از گروهى از اهل كتاب اطاعت كنيد، شما را بعد از ايمانتان به كفر باز مى‏گردانند.
شریعتی: این ایام فرصت خوبی است که بیاییم دلی را به پنجره فولاد امام رضا گره بزنیم. عدد 8 را به 20000303 پیامک کنید. دوستان ما شما را راهنمایی خواهند کرد. این هفته در برنامه از علامه جلیل القدر محمد حسین غروی اصفهانی یاد می‌کنیم. اشاره قرآنی را بفرمایید و انشاءالله حسن ختام فرمایشات شما را بشنویم.
حاج آقای لقمانی: آیه 96 سوره آل عمران «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ» من یک تقاضا دارم که سبک زندگی‌شان روی واژه‌ها متمرکز کنند. مثلاً مکه را چرا مکه می‌گویند؟ از مکا می‌آید، زمین از آنجا کشیده شد. کعبه، مکعب! از امام صادق پرسیدند: «َللَّذِي بِبَكَّةَ مُبارَكاً» چیست؟ فرمودند: بخاطر اینکه بدن‌ها به هم می‌خورد. زن و مرد، زن و زن، فشرده است. در طواف فشرده هستند. وقتی اینطور باشد اولین مسجد اُپِن در آفرینش مسجد الحرام است. باز است! خانم‌ها باید قرص صورت حتماً پیدا باشد ولی آقایان حق نگاه کردن ندارند. حتی به شهوت نمی‌تواند به همسرش نگاه کند. منتهی «بِبَكَّةَ مُبارَكاً» کاری خوب است که با برکت باشد. بعضی هستند فقط می‌دوند. هیچی برایشان نمی‌ماند. «وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ» چقدر این آیات زیباست.
ما چند حرم داریم. یکی بیت المقدس است. بیت المعمور، آسمان چهارم، به موازات کعبه بالا می‌رویم مثل کعبه است. دختران و پسرانی که خدای ناکرده قبل از سن بلوغ از دنیا می‌ر‌وند ارواحشان آنجا می‌رود. یکی عرش است. عرش خداوند و آسمان هفتم! یکی مسجد الحرام، چرا مسجد الحرام می‌گویند؟ چون حرمت دارد. احترام دارد. الآن ایام حج است. بعضی‌ها شیفته مشارکت برای قربانی هستند. سهیم باشند. گاهی خانواده‌ها، گاهی دو تا باجناق، گاهی اهل کوچه، اسم ما در طومار باشد که ما هم قربانی دادیم. این جمله یادگار برای کسانی که به زودی به عمره مشرف می‌شوند. وارد مسجد الحرام شدن آدابی دارد. لباس فرم می‌خواهد. دو تا پارچه سفید و بی رنگ! وقتی انسان خواست وارد حرم شود چهار فرسخ در چهار فرسخ، حرم است. اگر کسی لباس فرم پوشید و خواست وارد حرم شود، یک درختی است که ریشه‌ها داخل حرم است. شاخ و برگ بیرون حرم است. پانصد گنجشک روی آن درخت نشسته است. این شخص دستش را تکان داد و همه پانصد گنجشک پریدند، پانصد گوسفند باید کفاره بدهد. قانون حرم را شکسته است.
مخیط و بوی خوش و سرمه روغن است و قسم \*\*\* شکار برّ و اشاره، دروغ و فحش به هم
26 چیز بر محرم حرام است. اشاره حرام بود، نباید انجام دهی. اینجا امنیت دارد. مسجدالحرام با این عظمت، خداوند خودش کعبه را نصب نکرد. «وَ إِذْ يَرْفَعُ‏ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ» (بقره/127) حضرت ابراهیم بازسازی کرد و نوسازی کرد. حضرت آدم یا قبل از حضرت آدم کعبه بنا شده است. اما یکی دیگر از حرم‌ها قلب انسان است. «القلب حرم الله» خداوند قلب را به دست خودش نصب کرد. آداب دارد.
مرنجان دلم را که این مرغ وحشی \*\*\* ز بامی که برخاست مشکل نشیند
گفت: چند چیز را نشکنید که صدا ندارد ولی درد بسیاری دارد. یکی دل و قلب است. گاهی با یک تکه، برو تو که...!! دل می‌شکند. آه... آه اسمی از اسمای خداوند است. دودمان طرف را به باد می‌دهد. بعضی‌ها فوق تخصص شکستن قلب هستند. عادت کرده است. «القلب حرم الله» از آن طرف دل به دست آوردن! یک قصری در بهشت به نام«قصر السرور» هست. هیچ آیت الله العظمایی را راه نمی‌دهند. هیچ حجت الاسلامی را راه نمی‌دهند. هیچ مجری را راه نمی‌دهند. چه کسانی را راه می‌دهند؟ کسانی که در دنیا دل بچه‌ها را شاد کنند! بعضی‌ها جیبشان مینی سوپر است. تا یک بچه می‌بینند یک شکلات می‌دهند. در آن قصر جا دارند. یک لبخند، یک تکه کلام زیبا! با صفا باشی بابا جان! عزیزم، شب قدر این دختر نباید اینطور می‌آمد. حالا آمده است. این خانم آنچنان استادانه برخورد می‌کند که اینبار با حجاب بهتر شب بیست و یکم هم می‌آید! دل به دست می‌آورد! «القلب حرم الله» خداوند با این دلها کار دارد. گاهی یک دعای مستجاب با این دل است. الهی از جوانی‌ات خیر ببینی!
اینهایی که برای مشهد کمک می‌کنند، اگر آن طرفی که به مشهد رفت، گوشه چشمش اشکی جاری شود، مگر امام هشتم از این اشک‌ها می‌گذرد؟ نسلی آباد به آن کمک کننده می‌دهد. این دعاها را دست کم نگیریم که فوق العاده تأثیر دارد. مخصوصاً دعای عرفه، زیارت امین الله دو صفحه و خرده‌ای است. بعضی از فرازهایش را یادداشت کنید. «اللَّهُمَّ! فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ‏ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِك‏ مُحِبَّهً لِصَفْوَهِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَهً فِى أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ» انشاءالله تمام بینندگان ما محبوب در زمین و آسمان باشند و ببینند چقدر زندگی روان و شاد و شیرین خواهد شد.
شریعتی: یکبار دیگر روایت دنیا را بیان می‌فرمایید.
حاج آقای لقمانی: خداوند به دنیا می‌فرماید: «یا دنیا اخدمی من خدمنی» خدمت کن به هرکسی که به من خدمت می‌کند. «و اتعبی من خدمک» به زحمت بیانداز کسی که در خدمت تو هست! صبح تا شب حرف پول و زندگی را می‌زنند.
شریعتی: خیلی ممنون. فردا در خدمت جناب آقای دکتر رفیعی هستیم. فردا روز عرفه هم هست، انشاءالله از فضیلت این روز بزرگ برای ما خواهند گفت. دعا بفرمایید و همه آمین بگوییم.
حاج آقای لقمانی: خدایا به حق محمد و آل محمد همه شیفتگان به ویژه تک تک بینندگان سمت خدا را امسال سپید پوش و لبیک گو وارد مسجد شجره بگردان. سحرهای مسجد الحرام توفیق طواف نصیبشان بگردان. نسلی حضرت ابراهیمی نصیبشان بگردان.
شریعتی: بهترین‌ها را برای همه شما آرزو می‌کنیم. این روزها لحظه شماری می‌کنیم برای عید بزرگ غدیر، عید بزرگ ولایت که انشاءالله پررنگ و با شکوه نسبت به سالهای قبل برگزار شود و انشاءالله محبت امیرالمؤمنین در دلها جاودانه و ماندگار شود.